تفکیک دو احتمال تقیه و تفویض در برداشت صاحب حدائق از کلام استرآبادی

> و قد اضطربت آراء القائلين بالنجاسة في الجمع بينها، و تمييز عثها من سمينها و الشيخ (رحمه الله) تعالى) في كتابي الأخبار قد جمع بينها بوجوه بعيدة و محامل غير سديدة. و المتأخرون- بناء على الاصطلاح المحدث في تنويع الاخبار الى الأنواع الأربعة- هان الخطب عند القائل منهم بالنجاسة في جملة من الموارد برد الأخبار بضعف الاسناد. و اما القائلون بالطهارة فقد حملوا الاختلاف الواقع في هذه الأخبار على الاختلاف في افراد الآبار بالغزارة و النزارة، و اختلاف النجاسة كثرة و قلة و مكثا و عدمه و نحو ذلك، إلا ان فيه ان الاخبار قد وردت مطلقة، ففي كون الاختلاف لذلك نوع بعد. و احتمل بعض محققي المحدثين من المتأخرين كون هذا الاختلاف من باب تفويض الخصوصيات لهم (عليهم السلام) لتضمن كثير من الاخبار ان خصوصيات كثير من الأحكام مفوضة إليهم (عليهم السلام) كما كانت مفوضة إليه (صلى الله عليه و آله) ليعلم المسلم لأمرهم من غيره، أو من باب الإفتاء تارة بما لا بد منه في تحقيق القدر المستحب و تارة بما هو الأفضل، و تارة بما هو متوسط بينهما.[1]

«... و اما القائلون بالطهارة فقد حملوا الاختلاف الواقع في هذه الأخبار على الاختلاف في افراد الآبار بالغزارة و النزارة»؛ بعد خودشان نظر می‌دهند. **«و لعل الأقرب ان ذلك إنما خرج مخرج التقية»؛** معنای حمل ظاهراً درست نیست؛ خرَج است. **«لما قدمنا لك في المقدمة الاولى من تعمدهم (عليهم السلام) المخالفة في الفتاوى و ان لم يكن بذلك قائل من المخالفين»؛** تعمد داشتند که این کار را بکنند.

«و احتمل»؛ یعنی حرف ما؟ یا احتمال دیگر؟ ظاهرش احتمال دیگر است. نه اینکه بخواهند بگویند ایشان هم حرف من را می‌گوید. عین همان عبارت اولی است که در تعلیقه آورده‌اند.

«بعض محققي المحدثين من المتأخرين»؛ که همین جناب استرآبادی باشند. **«كون هذا الاختلاف من باب تفويض الخصوصيات لهم (عليهم السلام) لتضمن كثير من الاخبار ان خصوصيات كثير من الأحكام مفوضة إليهم»؛** ببینید وقتی آن جا ایشان می‌خواهند احتمال دیگری را بگویند، آن قسمت اول عبارت را نمی‌آورند. چون قسمت اولش همان حرف

خودشان است. عبارت استرآبادی دو بخش داشت. چون قسمت اولش همان حرف خودشان بوده، آن را دیگر نمی‌گویند. می‌خواهند احتمال دیگری غیر از حرف خودشان را بگویند، لذا فقط تفویض را می‌گویند.

شاگرد: پس معلوم می‌شود در آن جا هم صاحب حدائق نمی‌خواهد همه کلام استرآبادی را بر تقیه حمل کند؟

استاد: بله. من هم جلسه قبل همین را عرض کردم. من با فرمایش شما موافق هستم. آن جا فرموده بودند «احتمالات». وقتی کلمه «احتمالات» بیاید، بعید است صاحب حدائق کلام ایشان را تنها بر یکی حمل کند و آن هم تنها همانی باشد که من می‌گویم. این هم نکته‌ای بود تا علیه کلام ایشان اجتماع نشود.

شاگرد۲: احتمالات را در مسأله بئر می‌گویند.

استاد: پس چرا الآن سراغ کلی می‌روند؟ ایشان می‌گوید: «و اما الروايات المختلفة المتضمنة للنزح ففي سبب اختلافها احتمالات»، چرا؟ چون اسباب اختلاف، به‌طور کلی اینها را دارد. آن روایاتی که ایشان دو دسته را می‌گویند، برای نزح بئر نبود. یک مطالب کلی را می‌گفت. ایشان اسباب کلی اختلاف را جلو می‌آورد و لذا می‌گویدی در بئر احتمالات است. کما اینکه آن احتمالاتی که خود ایشان در صفحه سیصد و شصت و پنج می‌گوید، «عند القائلين باطراده» نقل کرده‌اند. فرمودند: چرا اختلاف دارد؟ **«و اما القائلون باطراده فقد حملوا الاختلاف الواقع في هذه الأخبار على الاختلاف في افراد الآبار بالغزارة و النزارة، و اختلاف النجاسة كثرة و قلة و مكاثا و عدمه و نحو ذلك».**

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة نویسنده : البحراني، الشيخ يوسف جلد : ۱ صفحه : ۳۶۵

بازبینی #1
ایجاد شده 19 آوریل 2026 12:52:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 آوریل 2026 10:05:13 توسط ... .